



خدمت دوست معزز مکرم جناب آقای ایرانی

بعد التحية و التثاء و ضمن تشکر از حسن ظنی که دربارهٔ این ناتوان ابراز فرموده بودید، به استحضار می‌رساند.

... و اما کتاب طبقات اکبری اثر مهم و ارزنده‌ای است که حتماً باید جزو گنجینه میراث فرهنگی ایران در شبه قاره چاپ شود

اساساً وقتی گم‌شده شما زبان فارسی یا به قول ناصر خسرو (این قیمتی لفظ در دری) است، باید هر چه به زبان فارسی می‌یابید، میراث ایران و ایرانی بدانید و در حفظ آن بکوشید و با چنگ و دندان این میراث پدری و مادری را به جان و دل نگه دارید، بنابراین شبه قاره یکی از مراکز مهم ادب فارسی است و باید بدان رسید. اما تنها هندوستان قدیم و هند و پاکستان نیست که مرکز میراث فرهنگی زبان فارسی است. این زبان در طول زمان به دور دست‌ها و دور دست‌ها رفته و هنوز نیز با همه تصاریف روز - لاقال به صورت لغاتی سالم مانده یا تغییر یافته - اثر زبان فارسی تا اعماق بالکان از سوئی و تا اعماق اندونزی و مالزی از سوی دیگر - زنده و پاینده است. بنابراین شما، اگر می‌خواهید سرپرستی این نهضت عظیم را بر دوش بگیرید - چنان که تاکنون گرفته‌اید - باید به ترکیه هم چونان هند و پاکستان و چونان ورارودان (ماوراءالنهر)، توجهی داشته باشید. البته هر کدام از این کانون‌های عزیز و محترم و معتنم امتیازات خاصی دارند.

آنچه مربوط به ورارودان است، برای من حال و هوای دیگر دارد. وقتی سخن از سمرقند و بخارا و خیوه و تاشکند و خجند و خوقند و حتی کاشغر و ختن و یارکنت پیش می‌آید، من هرگز احساس یک سرزمین دیگر و یک کشور دیگر نمی‌کنم، تو گویی این سرزمین‌ها، حتی بلخ و مرو و قندوز و لشکرگاه و گردیز و گردنه خیبر و مزار شریف را جزو خانه وسیعی می‌بینم که همه آن روزی به پدران و مادران فارسی زبان ما تعلق داشته‌اند و امروز اگر کتابی فی‌المثل در شیرغان یافت شود، چنان می‌پندارم که در یکی از هزاران اتاق و پستوی خانه فسیح و وسیع فراموش شده امروز پیدا شده. این سرزمین‌ها مهد زبان فارسی است. قیمتی لفظ دری در این صفحات به وجود آمده و صدها هزاران شاعر و ادیب و خطیب و عارف و حکیم با این زبان، آثار فکری و ذهنی خود را به جهان - نه تنها به سرزمین زبان فارسی - عرضه کرده و آن را بدین صورت زیبا و شیرین و رنگین درآوردند. هر چند که در روزگار ما بدان چندان بها نمی‌دهند و نداده‌اند و مشتی طفلان ایجاد خوان این گران مایه درد ری را به صورتی زشت و ابتر درآوردند، ولی باز زبان فارسی مسلماً راه خود را باز می‌یابد و بار دیگر شعر و نثر فارسی بهنجار خواهد شد و عظمت دیرین باز خواهند یافت.

به صبر کوش تو ای دل که حق رها نکند چنین عزیز نگینی به دست اهرمنی

اما هند نه پایگاه ادب فارسی، که پناهگاه ادیبان و شاعران و کاتبان و حکیمان و طبیبان و نقاشان و خطاطان بود. از قرابت دیرینه تاریخی که آغاز آن سر در ظلمت افسانه‌ها و داستانها دارد که بگذریم، در همین روزگار اسلام و رفت و آمد سربازان ایرانی به هند و به همراه آنان درویشان و قلندران و اولیاء خدا و اهل شعر و هنر و ادب داستان دلکش و شیرینی است که بر صفحات تاریخ دو ملت ایران و هند چون تاجی درخشان می‌درخشد به طوری که بسیاری از سلسله‌های ایرانی و ایرانی زبان در هند تشکیل شد و بسیاری از دولت مردان و مستعدان ایرانی در دربارهای سلاطین هند راه یافتند و بسیاری از قصاید و منظومه‌های اصیل ایرانی در آن دیار ساخته شد و شاعرانی چون مسعود سعد سلمان و بعد طوطی هند امیر خسرو دهلوی بهترین نمونه‌های شعر و ادب فارسی را در آن خطه، روشنی بخش دل و جان مردم هوشمند و هنرشناس هند ساختند و این امر وقتی به اوج رسید که سلسله تیموریان هند که پرورده تمدن ایرانی و ریزه خواران زبان شیرین فارسی بودند، در هند صاحب سلطنت و قدرت و شوکت و مکتبی شدند که هرگز هند بخود ندیده بود و همین درخشش آنان موجب شد که صاحبان استعداد و اهل ذوق و هنر و اندیشه از ایران روی به سوی هند نهند. اینان بیشتر کسانی بودند که به دنبال خریداری جهت هنر خویش بودند و آن را در عرصه قلمرو صفویه نمی‌دیدند، یا کسانی بودند که! قشریت و تعصب و محیط سخت و دشوار جنگ طریقت و شریعت به تنگ آمده، در آرزوی اقی تاز و جهانی نو و هوایی مناسب با اندیشه‌های خود روی به هندی آوردند که هند جایگاه عقاید و آرا و صاحب فلسفه دوستی و مدارا بود. شرح این داستان یک دهان خواهد به بهنای فلک و در این مختصر نمی‌گنجد که بحر بی‌کران در ظرف ناید. بدین ترتیب هند پایگاه فارسی زبان گشت و نزدیک چهار صد سال زبان و ادب فارسی بر سراسر شبه قاره فرمان روا بود و در پرتو همین اتحاد دلها و وحدت زبان بود که نخستین روزنامه و کتاب‌ها در هند به چاپ رسید و هنوز که هنوز است شوق دانستن زبان فارسی در

دل‌های مردم هوشمند هند باقی است و حتی مرد بزرگی چون اقبال لاهوری که اصلاً به ایران نیامده، زبان فارسی را برای بیان اندیشه‌های متعالی خود برمی‌گزیند. بنابراین مقدمات که مشتق از خروار و اندکی از بسیار بوده و هست، حفظ این پایگاه میراث مکتوب ایرانی از واجبات است و اهمیت امر به حدی است که کوشش‌های فراوان خالصانه و صادقانه می‌طلبد و امید که به فضل حق تعالی و همت مؤسسه میراث مکتوب این کار صورت گیرد.

اما ترکیه همسایه دیوار به دیوار و دوست و برادر و هم‌کیش ما بوده و هستند. از روز ازل به حکم تقدیر و گردش روزگار، در کنار یکدیگر زیست‌هایم دیری است که در پای خم افتاده خرابیم همسایه دیوار به دیوار شرابیم

در طول زمان، بارها و بارها ما حتی به جنگ و ستیز برخاسته‌ایم. اما همواره حرمت یکدیگر را حفظ کرده‌ایم تا جایی که زبان در بارگاه دولت ترکیه مکانتی والا و شرافتی بالا داشت. از روزگار سلاجقه و بعد مغولان هم که بگذریم، در ترکمن‌نشین‌های ده‌گانه آناتولی نیز زبان فارسی حائز اهمیت بود. وقتی سلطان محمد فاتح به صحن سرای کلیسای سن صوفی (ایا صوفیای) کنونی رسید، با یک شعر فارسی حکیمانه پای به درون کلیسا نهاد و خدا را بر این فتح سپاس گذاشت. رفتار دوستانه پسر سلطان محمد فاتح با یزید نیز با شاعران و حکیمان ایرانی مثل نورالدین عبدالرحمن جامی و ملا جلال‌الدین محمد دوانی و نامه نوشتن و دخلوری (پول‌طلا) فرستادنش در اسناد و کتب آمده و شوق بزرگان ترک به زبان فارسی موجب شده که کتاب‌خانه‌هایی با عظمت چون کتابخانه سلطان محمد فاتح و جامع سلیمانیه و اسعد پاشا و عاشق پاشا از کتب فارسی پر گردد تا جایی که امروز تا بخواهیم نسخه‌ای از بدایع افکار ایرانی بیابیم، خواه ناخواه به یاد ترکیه و کتاب‌خانه‌های پر و پیمان آن کشور می‌افتیم. تا زمان صفویه تمام مکاتبات بین ما و ترکیه که آن روزها دولت عثمانی خوانده می‌شد، به فارسی بود و دریغ که قصه پر غصه معارضات مذهبی تا حدی موجب دوری ما شد و این امر باعث شد که ترکان نتوانند فتوحات خود را در اروپا به پایان برند و خلاصه کلام ما برای گل روی فرنگیان به جان هم افتادیم و خون یکدیگر را ریختیم تا سرزمین اروپا برای دنیای مسیحیت سالم و دست نخورده بماند و در نتیجه از پیشرفت اسلام جلوگیری شود و مسیحیت همچنان محترم بماند و فرنگیان همچنان سیادت و برتری خود را حفظ کنند. دریغ ما شرق زمینان هنوز هم عرب و غربیان را آن چنان که هست و هستند، نشناخته‌ایم.

باری پس از صفویه بود که منشآت سیاسی سلاطین عثمانی به زبان ترکی نگاشته شد و با وجود این باز اشعار استشهادی و شریط و دعای نامه‌ها همچنان به فارسی باقی ماند تا این که تجدد طلبی آتاتورک و دشمنی او با مفاهیم و سنت‌های هنری و فکری و ذهنی اسلامی و ترکی موجب گردید که زبان فارسی از رونق باز اوفتد و خط عربی که وسیله اتحاد و حلقه اتصال مفاهیم اسلامی و فرهنگ ایرانی بود، به خط لاتین تبدیل گردید.

با تمام این احوال، هنوز دولت ترکیه و سرزمین زر خیز و هنر دوست آناتولی و مردمان سخت کوش آن منطقه دانسته و ندانسته، حافظ و پاسبان نسخ خطی فارسی هستند، خاصه آن که این زبان شیرین فارسی که موجب فخر ایران و ایرانی است همراه با شجاعت و بردلی سربازان ترک به اقصا نقاط اروپا رسیده و اثرات گرانبایی بر جای گذاشته که ما نمونه آن را حتی امروز نیز در بوسنی (بالکان) می‌بینیم. بنابراین کشور ترکیه نیز باید مورد توجه کسانی قرار گیرد که کوچه به کوچه، کو به کو به دنبال میراث مکتوب می‌گردند.

البته من در اینجا به یک نکته نیز باید اشاره کنم و آن این که امروز اسناد هم اهمیت خاصی یافته‌اند که از آن به آسانی نمی‌توان گذشت، هر چند که سند از لحاظ کیفیت و ماهیت با کتاب و رساله متفاوت است و کوششی از لون دیگر می‌طلبد.

اما کتاب طبقات اکبری همچنان که در آغاز مقاله ذکر کردیم، شایسته چاپ است. منتها باید در نظر داشت که اگر منظور محتوای کتاب یعنی تاریخ شبه قاره است که آن تنها مربوط به تاریخ هند تا ۱۰۰۲ ه. ق است و در شبه قاره کتاب‌های دیگری در این زمینه نوشته شده که تا روزگاران بیشتری ادامه است مگر آن که صرفاً به عنوان یک میراث مکتوب به چاپ این کتاب بیانیدیم و این نکته هم ضرورت یادآوری دارد که نوعاً آثار مکتوب فارسی هند یا روی کاغذهای سفید چاپ شده که کاغذ آن جنساً شکننده است و بی آن که کسی دستی‌بزند یا فشاری وارد آورد، کاغذ کتاب خود به خود به خود می‌شکند و فرو می‌ریزد، یا آن که روی کاغذهای کاهی - و گاهی هم سبز و قرمز - چاپ شده که بسیار زود کهنه شده‌نابود می‌گردد و از این لحاظ بر اهل کتاب خاصه عزیزانی که مسئولیت حفظ این میراث گرانبها را برعهده گرفته‌اند، فرض عین بلکه عین فرض است که این میراث‌های کهنه و شکننده را هر چه زودتر، در کمال امانت و ظرافت حفظ کنند. و با تجدید چاپ آنها، از ضایع شدن و از میان رفتن آن آنها جلوگیری کنند بک نکته دیگر هم بیافزایم و بگذرم و آن این که زبان فارسی در هند، به قول بیهقی از لون دیگر است. بدین معنی که درست است که زبان فارسی طبع و ذوق و ضمیر مردم هند را تسخیر کرده بود، ولی خود تحت تأثیر ذهن و ذوق و اندیشه هندی قرار گرفته و این امر بسیار طبیعی است که فی‌المثل بسیاری از کلمات و اصطلاحات هندی نیز در زبان فارسی راه یابد و حتی نثر فارسی رنگ هندی به خود گیرد، همچنان که شعر فارسی کاملاً در هند دگرگون شد و بسیاری از کلمات و استعارات و کنایات و حتی اعتقادات هندی در شعر فارسی درآمد و این تذکار برای آن بود که کسانی که می‌خواهند دست به کار میراث مکتوب فارسی در هند بزنند باید با بصیرت کامل و دانش وسیع در زمینه اعتقادات و اصطلاحات و لغات بدین کار مبادرت ورزند و الاً صرفاً «فارسی» بودن کتاب‌ها نمی‌تواند راهگشای کسانی باشد که از ادب و فرهنگ فارسی و عربی و هندی چندان برخوردار نیستند و خلاصه طعمه هر مرغی انجیر نیست، بلکه تنها ادیبی فعل و دانشمندی مدقق و محقق می‌تواند حق میراث مکتوب ما را در گنجینه فناپذیر هند ادا نماید. از خداوند، توفیق همه عزیزانی را که در این راه گام برداشته‌اند و هنوز هم رهرو این راه پر افتخار هستند، آرزو دارم.

دکتر عبدالحسین نوائی

نکته‌ای درباره خط نستعلیق

در کتاب تحفة‌المحبین تألیف یعقوب بن حسن سراج شیرازی که یادگار او از سال ۸۵۸ هجری است، ذکر خط نسخ تعلیق و دو شیوه تیریزی و شیرازی آن شده است (ص ۹۳، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۵، ۲۵۳). این کتاب را دفتر میراث مکتوب انتشار داده است (۱۳۷۴).

چون اطلاعات روشن نسبت به تاریخ ایجاد این خط محدود است و هر چه به دست آید مغتنم خواهد بود، مناسب دید اشارتی را که شرف‌الدین علی‌یزدی مولف ظفرنامه تیموری (متوفی در ۸۵۸) در یکی از منشآت خود بدان شیوه خط کرده است، برای آگاهی علاقه‌مندان منتشر کند. از ورق ۵۲ الف - ۵۲ ب نسخه متعلق به کتابخانه روان کوشکو (ترکیه) مورخ ۸۶۷ آورده می‌شود و از عبارت او برمی‌آید که اسلوب خط مذکور در زمان نگارش نامه هنوز تازگی داشته است.

(و چون به سبب عموم احتیاج فنون به شعبات طرق و انهاج این شغل خطیری ضروری در هر وقت مقتضی تسهیل امر می‌بود فروع بسیار مخترع شده و هر طایفه، طریقه و طرزى که به شهادت طبع سلیم و ذوق مستقیم با غرض مقصود ایشان نوع ملایمى و زیادتی مناسبتی داشته، بر حد کمال اعلی و مدارج استکمال رسانیده مطرزان حلال لطافت شعار اشعار و حله طرازان نمایش عرایس اخبار و اسمار «نسخ تعلیق» را به لطفی تعلیق کرده که ناسخ ارزشنگ مانی شده و نسخه نگارخانه چین گشته.)

ایرج افشار

اشاره: در جلسه رونمایی کتاب الاثار الباقیه ابوریحان بیرونی که در اسفند ماه ۸۰ در مرکز نشر میراث مکتوب برگزار شد، اساتید گرانقدری هر کدام درباره محتوا، شیوه تصحیح و... مطالبی را عرضه کردند. از جمله مدعوین این جلسه استاد بهاء‌الدین خرمشاهی بود که طی نامه ذیل ضمن عذرخواهی از عدم حضور در این جلسه، همکاران مرکز نشر را مورد لطف خود قرار دادند

(آینه میراث)

به تن مقصرم از خدمت ملازمت

ولی خلاصه جان خاک آستانه توست

با عرض سلام به حضور سروران دانشورم که درین مجلس روحانی و علمی حضور دارند، و عذر تقصیر از غیبت خود، برای آنکه به گفته خواجه عرض ازادتی و تحصیل سعادتى شود، این سه رباعی را به محضرتان عرضه می‌دارم:

از من برسایان سلام اذکائی را کز حد گذرانده رسم کوشائی را
سعدی به چنین نادره‌ها می‌گوید: اوجی است سخندانی و زیبائی را

میراث شما چون ملل راقیه است خوش وزن، ولی نه در بی قافیه است
بیرونی ازین کتاب احیا گردید مجموعه آثار شما باقیه است

بس طرح ز بی‌اساسی‌اش فانی شد بی‌باعت و بی‌پناه و بی‌بانی شد
ای‌زنده دلان! چه مرده ریگی داریم احیاگر این تراث (ایرانی) شد
بهاء‌الدین خرمشاهی

برادر گرامی جناب آقای اکبر ایرانی

مدیر عامل محترم مرکز نشر میراث مخطوط

سلام علیکم

احتراماً، اینک که کنفرانس (نسخه‌های خطی عربی در ایران) به‌هدف تاکید بر وحدت حوزه تمدنی ایران و عرب در دمشق با همکاری آن مرکز محترم برگزار گردید، و مورد تحسین و تقدیر مسئولان و دست‌اندرکاران سوریه و چند کشور عربی قرار گرفت، بر خود لازم می‌دانم از همکاری صمیمانه آن برادر بزرگوار و پشتیبانی آن مرکز محترم تشکر فراوان بنمایم.

اگر آن همکاری و پشتیبانی نبود قطعاً این اقدام صورت نمی‌پذیرفت و این موفقیت‌ها را بدست نمی‌آورد.

حضور جنابعالی و همکاران دانشمند مرکز و ارائه فعالیت‌های علمی چشم‌گیر در زمینه نشر آثار مکتوب و دعوت از صاحب‌نظران متخصص ایرانی، و شرکت در هزینه‌های کنفرانس نشانه توجه و عنایت آن برادر بزرگوار در امر هدفمند کردن احیای نسخه‌های خطی و گسترش این هدف در جهت وحدت تمدنی جهان اسلام است.

موفقیت روزافزون برای جنابعالی و همکاران آن مرکز محترم از خداوند متعال خواستارم.

دکتر محمد علی آفرشب

رئیس فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران سوریه

مراکز عرضه آثار نشر میراث مکتوب

ازومیه: خیابان امام خمینی، کتابفروشی بهار تلفن: ۲۲۳۸۴۴۸	فروشگاه مرکزی: خیابان انقلاب، رویروی دانشگاه، پاساژ فروزنده، شماره: ۲۱۷، میراث مکتوب، تلفن: ۶۹۵۵۸۹۵
سنقر: خیابان امام خمینی، پایین‌تر از مسجد جامع، طبقه دوم، کتابفروشی سراج‌الدین تلفن: ۲۳۱۹۷	تهران: میدان شهید اندرزگو (چیدار) کتابفروشی حوزه علمیه قائم، تلفن: ۲۲۰۱۱۲۰ - ۲۲۱۱۴۱۱
شهرضا: خیابان صاحب‌الزمان، رویروی بانک ملی، فرهنگسرای سخن تلفن: ۰۹۱۱۳۲۱۱۳۲۸	تهران: ناصر خسرو، کوچه حاج نایب، پاساژ ولی عصر (عج) کتابفروشی تهران تلفن: ۳۹۰۷۸۴۹
خوی: خیابان طالقانی، ابتدای کوچه مقبره، کتابفروشی گلستان کتاب تلفن: ۲۲۲۷۷۴۵	قم: خیابان حجتیه، رویروی مدرسه حجتیه، کتابفروشی میراث مکتوب تلفن: ۷۷۴۰۸۸۵
اهواز: خیابان حافظ بین سیروس و سلمان فارسی، کتابفروشی رشد، تلفن: ۲ - ۲۲۱۷۰۰۰	کرج: خیابان شهید بهشتی (قزوین) رویروی کمیته امداد امام خمینی واحد فرهنگی شهید بهشتی تلفن: ۲۲۴۲۰۷۴
یزد: ابتدای خیابان امام خمینی پلاک ۴۵ انتشارات و کتابفروشی نیکو روش تلفن: ۶۲۶۴۶۹۹	مشهد: خیابان امام خمینی ۳۳ پلاک ۱۵، بخش معتمد تلفن: ۸۵۴۸۲۳۵
اراک: خیابان شریعتی، کوی شریعت پلاک ۱۱، نشر نجبا، (واحد اراک) تلفن: ۲۲۲۱۳۱۳ - ۲۲۲۹۲۳۲	اصفهان: خیابان چهار باغ، کتابفروشی فرهنگسرای اصفهان تلفن: ۲۳۲۹۶۰
	تبریز: خیابان امام خمینی، کتابفروشی شهید شفیق زاده تلفن: ۵۵۶۶۹۲۳